

مؤلفه‌های اخلاقی مشترک و تأثیر آن‌ها بر همزیستی مسالمت‌آمیز بوداییان و مسلمانان در لداخ

حسنین^۱

محمدباقر قیومی^۲

سید محمد روحانی^۳

چکیده

منطقه لداخ در شمال هند، به دلیل ترکیب دینی بودایی و مسلمان، یک نمونه منحصر به فرد از تعامل میان دو جامعه با باورها و سنت‌های متفاوت است. این منطقه به دلیل ترکیبی از باورها و سنت‌های متفاوت، اما ارزش‌های اخلاقی مشترک، به خوبی نشان‌دهنده امکان تعامل سالم و پایدار میان میان‌گروه‌های مختلف دینی در یک جامعه است. پرسش اصلی تحقیق این است که: کدام‌یک از مؤلفه‌های اخلاقی در حفظ این همزیستی میان اهالی بودایی‌ها و مسلمانان این منطقه مؤثر بوده و چگونه در سطوح فردی و اجتماعی می‌توان از آن‌ها برای این هدف بهره گرفت؟ این پژوهش با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و رویکرد تطبیقی، با هدف شناسایی مؤلفه‌های اخلاقی مؤثر در حفظ همزیستی بین دو گروه انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مشترکی همچون شفقت، رحمت، پرهیز از خشونت، احترام به کرامت انسانی و اخلاق گفتاری، به عنوان عناصر کلیدی اخلاق میان دو سنت اسلامی و

۱. پژوهشگر همکار گروه ادیان شرق، پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی (hasnainkg1@gmail.com)

۲. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب.

بودایی‌اند، که همزیستی پایدار و کاهش تعارضات فرهنگی و تفاوت‌های اعتقادی را در سطح اجتماعی مدیریت کرده و از تبدیل آن‌ها به تعارض در منطقه لداخ جلوگیری کنند. این مؤلفه‌ها نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح اجتماعی نیز به‌عنوان عوامل وحدت‌بخش عمل کرده‌اند. در نهایت، این مطالعه نشان می‌دهد که اخلاق به‌عنوان یک پایه اجتماعی می‌تواند الگویی بومی برای جوامع چندفرهنگی در سراسر جهان ارائه دهد.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های اخلاقی، همزیستی مسالمت‌آمیز، بوداییان تبتی، شیعیان، لداخ.

مقدمه

منطقه لداخ (Ladakh) در شمال هند نمونه‌ای بارز از همزیستی میان دو جامعه دینی بوداییان و مسلمانان است که با وجود اختلافات دینی، توانسته‌اند طی قرون متمادی در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. در دنیای معاصر و در جوامع چندفرهنگی، یکی از چالش‌های اساسی، چگونگی حفظ صلح و همزیستی میان گروه‌های دینی، مذهبی و قومی متنوع است. یکی از مهم‌ترین عوامل همزیستی مسالمت‌آمیز، نقش مؤلفه‌های اخلاقی مشترک در ادیان و سنت‌های فرهنگی این منطقه است. نبود شناخت علمی از نحوه تأثیر این مؤلفه‌های موجب شده که ظرفیت‌های آن در تقویت همزیستی و کاهش تعارضات دینی و قومی به درستی درک و به کار گرفته نشود. با این حال، در شرایطی که بسیاری از جوامع چنددینی جهان با چالش‌هایی نظیر افراط‌گرایی، خشونت مذهبی و تبعیض مواجه‌اند، تجربه لداخ می‌تواند نمونه‌ای آموزنده از مدیریت فرهنگ و اخلاقیات متفاوت باشد. بررسی دقیق آموزه‌های اخلاقی مشترک همچون شفقت، عدالت اجتماعی و پرهیز از خشونت در هر دو آیین، نشان می‌دهد که این ارزش‌ها، زمینه‌ساز گفت‌وگو، احترام متقابل و نوعی دوستی در بستر اجتماعی بوده‌اند.

در مناطق لداخ مبلغین آیین بودا و اسلام، به مباحث اخلاقی و انسانی توجه ویژه‌ای دارند و تلاش می‌کنند تا اصول اخلاقی را در جامعه ترویج دهند. این آموزه‌های دینی و اخلاقی به مردم لداخ کمک کرده است تا زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و اختلافات فرهنگی و مذهبی را به خوبی مدیریت کنند. در واقع، این همزیستی مسالمت‌آمیز نه تنها به تقویت روابط اجتماعی میان مردم لداخ کمک کرده، بلکه باعث شده که این منطقه به عنوان یک الگوی موفق از همزیستی فرهنگی و مذهبی در سطح جهانی شناخته شود؛ به طوری که دالایی لاما (Dalai Lama) پیشوای معنوی بوداییان تبتی، در سخنرانی‌های خود، از این همزیستی مسالمت‌آمیز

مسلمانان و بوداییان لداخ یاد می‌کند.^۱

پرسش اصلی پژوهش این است که: کدام مؤلفه‌های اخلاقی در استمرار همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان و بوداییان در لداخ نقش اساسی ای داشته‌اند و این مؤلفه‌ها چگونه می‌توانند به‌عنوان الگویی بومی برای سایر جوامع چندفرهنگی مورد استفاده قرار گیرند؟ بررسی این مسئله به درک عمیق‌تری از کارکردهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند.

پیشینه تحقیق

همزیستی مسالمت‌آمیز بین جوامع بودایی و مسلمان در منطقه لداخ، یکی از موضوعات مهم در دهه‌های اخیر بوده است. پژوهشگران متعددی به مطالعه ابعاد مختلف این همزیستی پرداخته‌اند. با این حال، مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود تحقیقات میدانی و تحلیلی در زمینه هویت، سیاست، روابط قومی و دین‌ورزی، نقش مؤلفه‌های اخلاقی در حفظ همزیستی مسالمت‌آمیز به‌خوبی مورد توجه قرار نگرفته است.

در زمینه بررسی تعاملات بوداییان و مسلمانان، رضا شاه کاظمی در سال ۲۰۱۰ کتابی با عنوان زمینه مشترک میان اسلام و آیین بودا^۲ منتشر کرده است. این اثر با مقدمه‌ای از دالایی لاما و شهزاده عمان، غازی بن محمد بن طلال، به چاپ رسیده است. دالایی لاما این کتاب را یکی از مهم‌ترین آثار در زمینه مشترکات دینی بودایی و اسلام می‌داند. نویسنده در این کتاب، به مقایسه برخی مفاهیم دینی و تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز بین دو گروه پرداخته است.

سمیرا شفی نیز در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی الگو در روابط تحول‌یافته بوداییان و

1. https://www.newsonair.gov.in/dalai-lama-urges-to-strive-for-creation-of-a-happy-and-peaceful-world/?utm_source=chatgpt.com.

2. Common Ground between Islam and Buddhism.

مسلمانان^۱) فرایند دیگرسازی و تحول روابط بوداییان و مسلمانان در لداخ را در چارچوب تغییرات سیاسی و اجتماعی دهه‌های اخیر بررسی کرده است. وی نشان می‌دهد که سازوکارهای سیاسی، رقابت‌های سازمانی و تحولات اقتصادی، چگونه خوانش‌های جدیدی از هویت‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند. این مطالعه با اتنوگرافی^۲ دقت بالا، عمدتاً بر هویت و فرایندهای اجتماعی سیاسی تمرکز دارد.

همچنین اساتید دانشگاه‌های مختلف هند، مانند تهنلس تندوپ اوپالی (Thinles Tundup Upali) استاد دانشگاه پنجاب چندیگر^۳ در مقاله «نقش انجمن بودایی لداخ در پیگیری تحول هویت غالب لداخی»^۴ و درک مردم از بودایی بودن و لداخی بودن تحلیل کرده است. این پژوهش نیز رابطه مسلمانان و بوداییان را در چارچوب قدرت و بازنمایی هویتی بررسی کرده است.

کُنچُک تاشی (Konchok Tashi) هیئت علمی دانشگاه مرکزی چهارکند^۵ نیز در مقاله‌ای با عنوان «همبستگی دینی در استان لداخ از منظر آیین بودا»^۶ به بررسی دیدگاه بوداییان به همزیستی دینی و عوامل مؤثر بر تقویت یا تهدید آن پرداخته است. این پژوهش ضمن بررسی گفتارهای بوداییان درباره احترام متقابل، صلح و همکاری اجتماعی، بیشتر بر برداشت‌های ذهنی جامعه تمرکز دارد.

بنابراین، پژوهش حاضر، با عنوان «مؤلفه‌های اخلاقی در تأثیر همزیستی مسالمت‌آمیز بوداییان و مسلمانان لداخ» به‌منظور پر کردن خلأهای موجود و ارائه

1 . Identifying the 'Other' in Buddhist Muslim Transformative Relations.

۲. Ethnography: یک روش پژوهشی کیفی است که پژوهشگر در محیط گروه یا جامعه حضور مستقیم دارد. داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات زبانی و غیرزبانی گرفته می‌شود. این روش به دنبال توصیفی جامع و مبتنی بر داده‌های میدانی است. این روش به درک عمیق و واقع‌گرایانه جامعه کمک می‌کند.

3. Panjab University, Chandigarh

4. Tracing the Evolution of Hegemonic Ladakhi Identity: Ladakh Buddhist Association.

5. Central University of Jharkhand

6. Religious Harmony in the Union Territory of Ladakh: A Buddhist Perspective.

چارچوبی نظری و میدانی جدید انجام شده است. این تحقیق برای اولین بار، ارزش‌ها و فضایل اخلاقی مشترک بین سنت‌های بودایی و اسلامی را شناسایی و دسته‌بندی کرده و نقش آن‌ها را در تعاملات واقعی دو جامعه تحلیل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که این مؤلفه‌های اخلاقی در کاهش تعارضات نیز نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

معرفی اجمالی آیین بودا

بوده^۱ (بودا) یک کلمه سنسکریت است به معنی بیدار، یعنی بیدار معنوی. بوده به معنی شناسنده و بیدار است (پاشایی، ۱۳۵۸: ص ۱۹). در اصطلاح بودا با تعابیر مختلفی بیان شده است. به بیان برخی: بودا یعنی از خواب دل بیدار شده و روشنی‌یافته‌ای که دستخوش آرایش‌های حرص و کینه و فریب است (هینلز، ۱۳۹۳: ص ۱۳۵). آیین بودا از جمله ادیان هندی است که بر اساس آموزه‌های سیددهارتیه گوتمه شاکیه‌مونی (Siddhārtha Gautama Śākyamuni) ملقب به مهاتما بوده^۲ (Mahātma Buddha) بنا شده است. پیروان این آیین به شخص بودا، انجمن بودایی (سنگهه Samgha) و تعالیم او (دهرمه Dharma) پایبندند. آیین بودایی در بستر فرهنگی و دینی هند پدید آمد و حدود دو قرن پس از وفات بودا، در دوره امپراتوری اشکه (Aśoka)، گسترش چشمگیری یافت. (کازنیز، ۱۳۸۴، ص ۳۴) این آیین دارای مذاهب و فرقه‌های متعددی است که مهم‌ترین آنها شامل تهرَواده (Theravāda)، مهایانه (Mahāyāna) و وجریانه (Vajrayāna) که بیشتر همان بوداییان تبتی هستند

۱. बुद्ध.

۲. مهاتما بوده عنوان مهاتما Mahahtma به معنی دارای روح بزرگ، لقب احترام‌آمیزی است که در هند برای رهبران و مرشدان بزرگ استفاده می‌شود. این عنوان بیشتر برای بودای تاریخی، سیددهارته گوتمه بوده Siddhartha Gautama Buddha و در دوران معاصر برای مهندس کرمچند گاندهی Mohandas Karamchand Gandhi رهبر استقلال هند به کار می‌رود. عنوان مهاتما Mahahtma به معنی دارای روح بزرگ، لقب احترام‌آمیزی است که در هند برای رهبران و مرشدان بزرگ استفاده می‌شود. این عنوان بیشتر برای بودای تاریخی، سیددهارته گوتمه بوده Siddhartha Gautama Buddha و در دوران معاصر برای مهندس کرمچند گاندهی Mohandas Karamchand Gandhi رهبر استقلال هند به کار می‌رود.

را شامل می‌شود.

آموزه‌های بودایی مجموعه‌ای است از قواعد اخلاقی که وظیفه فرد را در قبال خود و دیگران معین می‌کند. دستورات اخلاقی بودا، اغلب بر رهایی از اوصاف رذیله تأکید می‌ورزد. بر همین اساس می‌توان گفت آیین بودا آیینی اخلاق محور است که هشت راه، موسوم به آریاشتانگه‌مارگه (Āryāṣṭāṅgamārga) را برای رهایی از رنج معین کرده تا انسان را از رنج دنیوی رهایی یافته به نیروانه (Nirvāṇa) برساند. راه‌های هشتگانه شریف عبارتند از: بصیرت درست، نیت درست، گفتار درست، کردار درست، زندگی درست، کوشش درست، آگاهی درست و تمرکز درست. (پاشایی، ۱۳۶۱، ص ۳۵۷)

۱. معرفی زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و دینی لداخ

۱.۱. موقعیت جغرافیایی و قومی لداخ

لداخ کلمه‌ای تبتی است. «لا» به معنی درّه و «داقس» به معنی زندگی‌کننده است. بنابراین، لداقس به کسانی گفته می‌شود که در دره‌ها زندگی می‌کنند. به تدریج واژه لداقس به لداخ تبدیل شد (شیخ، ۲۰۰۵: ص ۳۸). لداخ، منطقه‌ای در شمال هند و غرب تبت چین است که از لحاظ جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی، ویژگی‌های خاصی دارد. این منطقه در دامنه سلسله کوه‌های همیشه‌پربرف هیمالیا قرار دارد و از لحاظ جغرافیایی، منطقه‌ای استثنایی در کشور هند به شمار می‌آید. مساحت این منطقه نزدیک به ۹۷۸۷۲ کیلومتر مربع است و تقریباً صد هزار کیلومتر مربع بین دو سلسله کوه بزرگ هیمالیا در جنوب و قراقُرام در شمال را دربر می‌گیرد. همچنین منطقه تصرف شده چین، موسوم به اکسای (اقصی) Aksai نیز در آن قرار دارد (همان: ص ۱۴). لداخ با مساحت کنونی ۱۴۶,۴۹ کیلومتر مربع، سرزمینی با زیبایی‌های طبیعی و خدادادی است که شامل کوه‌های سربه‌فلک‌کشیده، قله‌های همیشه برف‌پوش، دریاچه‌های پرشور و چشمه‌سارهای جوشان است (Spalzin, 2015, p.5). منطقه لداخ

از لحاظ جغرافیایی به پنج بخش تقسیم می‌شود: له (Leh)، وادی نوبراه (Vadea Nobrah)، چنگ تهنگ (chang thang)، زانسکار (Zanskar)، کرگل (Kargil) و دراس (Drass). (شیخ، ۲۰۰۵: ص ۳۸) طبق گزارش‌ها مرزهای سرزمین لداخ به شرح زیر است: مسافت تعیین‌شده بین مناطق چینی ترکستان یارقند، از راه شایوق به لیه، ۶۲۵ میل و از راه چهنگ چهنمو، ۵۴۸ میل فاصله است. همچنین فاصله له تا لهاسا ۱۰۰۰ میل و تا رودوق ۲۱۶ میل، و فاصله میان سکردو تا کرگل ۲۱۳ میل، و فاصله له به شمله ۴۰ میل و به سپیتی ۲۲۲ میل است. (شیخ، ۲۰۰۵: ص ۲۰).

لداخ از جمله مرتفع‌ترین مناطق در هند به شمار می‌آید و دامنه میانگین ارتفاع آن در له و زانسکار حدود ۶۰۰۰ متر است. سراسر این منطقه کوهستانی و خشک است و بیشتر زیستگاه انسان‌ها در ارتفاعات ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ متر بالای سطح دریا قرار دارد (wiley, 1997, p.276). در زمستان، با بارش برف زیاد، راه ارتباطی مردم لداخ با کشمیر به طور کامل قطع می‌شود و این اتفاق هر سال در فصل زمستان تکرار می‌گردد. دومین یخچال بزرگ دنیا، سیاچن (Siachen)، با طول ۷۰ کیلومتر در این منطقه قرار دارد (شیخ، ۲۰۰۵: ص ۷۹) و تا مرز چین کشیده می‌شود. یخچال سیاچن به‌عنوان یکی از سردترین و دشوارترین مکان‌های دنیا شناخته می‌شود که در آن هیچ حیوانی وجود ندارد. این منطقه سرچشمه چهار رودخانه عظیم مانند رودخانه سنده (سنگهی کها)، ستلج، گهاگرا و برهم پتر را تشکیل می‌دهد. چشمه‌های موجود در این منطقه، ارزش آن را دو برابر می‌کنند. در منطقه نوبراه چهلشول و سایر قسمت‌های منطقه، چشمه‌هایی وجود دارد که آب آن‌ها با آب‌های معمولی تفاوت دارد. برخی از این چشمه‌ها بسیار گرم هستند. به نقل از موکرافت، چشمه نوبراه ۶۷ درجه و چشمه چهلشول^۱ ۹۶ درجه حرارت دارد (سکندر، ۱۹۸۷: ص ۳۷).

هوای منطقه لداخ در فصل گرما معمولاً بین ۱۵ تا ۳۰ درجه سانتی‌گراد و در

زمستان بین ۵ تا ۲۰ درجه زیر صفر قرار دارد (شیخ، ۲۰۰۵:ص ۳۰). طبق آمار سال ۲۰۱۱، جمعیت لداخ ۲۹۰۴۹۲ نفر بوده که از این تعداد، نزدیک به ۱۴۳،۳۸۸ نفر در شهرستان کرگل و حدود ۱۴۷،۱۰۴ نفر در شهرستان له زندگی می‌کنند.^۱ امروزه لداخ از سه قوم مون (Mon)، درد (Dard) و منگول (Mongol) تشکیل شده است، که بیشتر آن‌ها از تبار منگول و باقی آن‌ها آمیخته‌ای از نژاد درد و مون هستند. (سکندر، ۱۹۸۷:ص ۳۷)

مردمان لداخ، چه بودایی و چه مسلمان، افرادی بسیاری مذهبی هستند و دین‌داری در زندگی آن‌ها از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است، تاجایی که در هر محله عبادتگاهی وجود دارد و حتی در هر دشت و صحرا نیز می‌توان مساجد و خانقاه‌های کوچک برای مسلمانان و معابد (گونپه Gonpa) کوچک برای بودایی‌ها را دید که جلوه‌گر جایگاه ویژه فرهنگ دین در این منطقه است. از لحاظ فرهنگی، تبت کنونی و لداخ بسیار نزدیک هستند؛ زیرا از زمان‌های قدیم، حاکمان و مردم این منطقه ارتباط خاصی با یکدیگر داشته‌اند. تجارت پنبه و نمک، یکی از عوامل این ارتباطات است. شباهت فرهنگ و هنرهای دستی، پوشاک و خوراک به حدی است که تشخیص آن‌ها برای مردم دیگر دشوار است. مردم لداخ مانند مردم تبت از چای سبز، قلیان و روغن‌های حیوانی استفاده می‌کنند و ظروف چینی و سفالی مشترکی دارند که مخصوص این دو منطقه است (مشاهداتی میدانی). امروزه شهرستان له با اکثریت بودایی، مرکز بوداییان تبتی و شهرستان کرگل با اکثریت شیعیان اثناعشری، یکی از مراکز مهم شیعه در هند محسوب می‌شود.

۲.۱. ساختار دینی و مذهبی لداخ

ساختار دینی و مذهبی لداخ بر پایه تنوع آیینی و سابقه تاریخی تعامل میان بوداییان تبتی و مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، استوار است. منابع محلی نشان‌دهنده روابط

۱. WWW.INDIAONLINEPAGES.COM/POPULATION/JAMMU-KASHMIR-POPULATION.HTML.

دوستانه میان نخبگان دینی این دو آیین است. برای مثال، بابو عبدالقیوم لداحی، از دوستی میان لا ما کوشک ستک ژانگ راسپا و یکی از علمای مسلمان منطقه گزارش می‌دهد که به تبادل نمادین متون و اشیای مقدس انجامیده است. این شواهد تاریخی نشان می‌دهد که نهادهای دینی در لداخ در چارچوب احترام متقابل و همزیستی شکل گرفته‌اند و مرزهای اعتقادی حفظ شده، اما تعامل اجتماعی و اخلاقی ادامه دارد (لداحی، ۲۰۱۰: ص ۹۵).

در دوره معاصر نیز این ساختار کثرت‌گرای دینی، در سطح نهادی استمرار یافته است. گزارش‌های میدانی حاکی از تعامل مثبت میان نهادهای مذهبی بودایی و شیعی، به‌ویژه با مشارکت دالایی لا ما، به‌عنوان نمادی از همزیستی مسالمت‌آمیز در لداخ است. افتتاح حسینیه شیعیان در شهر له در سال ۲۰۰۷ میلادی با حضور دالایی لا ما و دیدارهای رسمی او با علمای شیعه در له و کرگل، نشان‌دهنده به رسمیت شناختن متقابل نهادهای دینی و پذیرش تنوع مذهبی در ساختار اجتماعی لداخ است. این تعامل نهادی، که ریشه در اشتراکات قومی و فرهنگی مردم منطقه دارد، نقش مهمی در تثبیت نظم اجتماعی و کاهش تنش‌های مذهبی ایفا کرده است.

۲. مؤلفه‌های اخلاقی محوری در آیین بودا

۲.۱. عدم خشونت (اهیمسا)

اهیمسا (ahimsā)^۱ یعنی عدم خشونت یا بی‌آزاری (Hexam, 1993, p.13) که یک مفهوم اخلاق محوری در آیین هندو، جینه (Jaina) و آیین بوداست (هینلز، ۱۳۹۳: ص ۹۸). در آیین بودا یکی از اصول مهم پرهیز از هر نوع خشونت در برابر موجودات دیگر است، و باور دارد که همه موجودات زنده، از رنج و ترس می‌گریزند و خواهان آرامش و خوشبختی‌اند. یکی از راه‌های هشت‌گانه بودایی، زیست درست است؛ یعنی انسان طوری زندگی کند که این زندگی سبب آزار و اذیت کسی نشود و طوری با

1. अहिंसा.

دیگران زندگی کند که باعث زیان و ضرر هم‌نوع خود نشود (پاشایی، ۱۳۶۸: ص ۲۹).
دلایی لا ما بر این باور است که انسان‌ها باید براساس سرشت خود، با محبت و شفقت رفتار کنند و زندگی خود را با تعامل بیشتر با دیگران بسازند؛ زیرا حتی برای رسیدن به آرزوهایشان نیز به دیگران نیازمندند. هرچند در جامعه نفرت نیز وجود دارد، اما محبت و شفقت همواره غالب بوده است؛ زیرا با وجود جنگ‌ها، جمعیت انسان‌ها همچنان رو به افزایش است که نشان‌دهنده غلبه عشق و شفقت در جهان است. اگر به طبیعت اولیه انسان نگاه کنیم، درمی‌یابیم که بیشتر نرم و آرام است تا پرخاشگر. برای مثال، حیوانات صلح‌جو ساختار بدنی متناسبی دارند؛ درحالی‌که حیوانات درنده ساختار بدنی ویژه‌ای متناسب با طبیعت خود دارند. ساختار بدنی انسان بیشتر به گوزن و خرگوش شباهت دارد تا ببر؛ حتی دندان‌های ما نیز بیشتر شبیه دندان‌های خرگوش است تا دندان‌های ببر. بنابراین، انسان ذاتاً موجودی نرم‌مزاج است تا خشن بودن (Dalai Lama, 2003, p.4).

مهاتما بوده یکی از پیامدهای خشونت در گفتار را این‌گونه بیان می‌کند: «با هیچ‌کس تند صحبت نکنید. کسانی که مورد این‌گونه صحبت قرار می‌گیرند، تلافی خواهند کرد. سخنان بدخواهانه در واقع علت مشکل رنج یا دوکھ Dukha است و مجازات به سراغ شما خواهد آمد» (Dhammapada, 1993, p.48). مهاتما بودهر راجع به پرهیز از خشونت در برابر دیگران، این‌گونه باور دارد که همه از چوب می‌ترسند، همه از مرگ هراس دارند. با قرار دادن خود به جای دیگری، نباید دیگران را زد یا کشت (Dhammapada, 1993, p.129).

مهاتما بوده خشونت را صرفاً محدود به اعمال فیزیکی نمی‌داند؛ بلکه آن را در ابعاد گفتار، نیت و حتی تفکر نیز تحلیل می‌کند. مهاتما بوده می‌گوید: «انگولیماله»^۱

۱. انگولیماله در آغاز راهزنی خون‌ریز بود که بنا بر روایت‌ها، انگشت هر قربانی را می‌برید و به‌صورت گردنبند می‌آویخت. او سرانجام با بودا روبه‌رو شد و گفت‌وگوی کوتاه، اما ژرف با بودا باعث شد که از خشونت دست بکشد، توبه کند و به راه رهبانی (سنگهه) بپیوندد. انگولیماله بعدها به مقام ارهنت (رهاشده) رسید.

(*Angulimāla*)، من برای همیشه متوقف شده‌ام، من از خشونت بر موجودات زنده خودداری می‌کنم. اما تو هیچ محدودیتی در برابر موجودات زنده نداری: به همین دلیل است که من متوقف شده‌ام و تو نشده‌ای» (*Majjhima nikaya, 1995, sutta86, p.711*). همچنین در گفت‌وگو با انگولیماله، مهاتما بوده معتقد بود: کسی که با ستم کردن بر دیگرانی که آن‌ها نیز خواهان خوشبختی هستند، در پی خوشبختی خود باشد، در زندگی بعدی خود خوشبختی را نخواهد یافت (*Dhammapada, 1993, p.47*).

مهاتما بوده شخصی را که به دنبال پرهیز از آزار رساندن و دوری از بدخواهی به دیگران است، شخصی شریف معرفی می‌کند و می‌گوید: «آن‌گاه ای بزرگ، آن شاگرد شریف، که بدین‌سان از طمع عاری است، از بدخواهی دور، بی‌تزلزل، با درکی روشن، همیشه هشیار، با ذهنی آکنده از مهربانی، یک‌سورا فرامی‌گیرد... بدون بدخواهی» (*Samyutta nikaya, 2000, p.1369*). با توجه به این سخنان مهاتما بوده بوداییان به موجودات زنده احترام می‌گذارند.

سنت خرید ماهی و پرندگان در قفس در جشن وساک^۱ (*Wesak*) و آزاد کردن آن‌ها، نمونه‌ای از این احترام است. در آیین بودا خوردن گوشت ممنوع نبوده و نیست، ولی اعضای سنگه مجاز نبودند حیوانی را برای خوراک بکشند؛ زیرا این کار، مستلزم گرفتن جان و برخلاف اصل اهیمسا بود. اما می‌توانستند از گوشتی که اعضای خانواده به آن‌ها می‌دادند بخورند؛ مشروط بر آنکه مشخصاً برای آن‌ها کشته نشده و تنها مازاد مصرف خانواده باشد (*Dorjen, 2021, p.8*). بر همین مبنای دینی بودایی، در در سطح شهر لداخ مشاهده می‌کنیم که قصاب‌ها مسلمان هستند و هیچ مغازه قصابی بودایی در لداخ نمی‌بینیم و هر خانواده بودایی که دوست داشته باشند گوشت بخورند، از مغازه مسلمانان گوشت می‌خرند. وقتی از آن‌ها سؤال کردیم که چرا این کار را انجام

۱. جشن وساک که در سنسکریت ویساکه *Vaiśākha* نامیده می‌شود، جشنی است که به طور هم‌زمان یادبود سه رویداد سرنوشت‌ساز در زندگی بودا را گرامی می‌دارد: ۱. تولد بودا؛ ۲. بیداری یا روشن‌شدگی؛ ۳. درگذشت نهایی یا پرینیروانه (*Parinirvāṇa*). در سنت بودایی، این سه رویداد همگی در روز ماه کامل ماه وساکه (*Vesākha*) رخ داده‌اند.

می‌دهید، می‌گفتند که در آیین ما کشتن حیوانات ممنوع است و خوردن گوشت در حد معمول، ممنوع نیست. بوداییان می‌کوشند اصل نگرفتن جان را رعایت کنند و کمترین تعداد حیوانات را برای تغذیه مردم بکشند (مورگان، ۱۳۸۹: ص ۲۰۳).

۲.۲. شفقت (کرونا)

شفقت، نیرویی است که قلب‌ها را به هم نزدیک می‌کند و با محبت و درک، دنیایی پر از آرامش و همدلی می‌سازد. در آیین بودا، کَرُونا^۱ (Karunā) به معنی شفقت و غم‌خوارگی و دلسوزی است که بُدْهیستوه^۲ (Bodhisattva) آن را در خود می‌پرورد (هینلز، ۱۳۹۳: ص ۵۰۵). کسی که رنج دیگران را مشاهده کند و دلش برای آن‌ها بسوزد، احساس همدردی و شفقت را تجربه می‌کند. بنیاد واقعی همدردی، در حقیقت رنج نهفته است؛ چراکه بسیاری از افراد، نه ریشه واقعی این رنج را می‌شناسند و نه راهی برای رهایی از آن می‌یابند. برترین تجلی همدردی، نشان دادن راه‌های هشت‌گانه^۳ به دیگران است که می‌تواند به آن‌ها در یافتن آرامش و رهایی کمک کند (پاشایی، ۱۳۵۷: ص ۳۸).

دالایی لاما بر این باور است که شفقت ریشه در حس همدلی ذاتی انسان دارد و قابلیت گسترش نامحدود را داراست. او معتقد است: می‌توانیم شفقت خود را چنان توسعه دهیم که حتی در برابر کوچک‌ترین رنج دیگران حساس شده و احساس مسئولیت عمیقی در برابر آنان پیدا کنیم (Dalai Lama, 2004, p.22).

در کتاب دهمه‌پده (Dhammapada) از متون معتبر بودایی آمده است که هرگز نمی‌توان تنفر را با تنفر از میان برد؛ تنفر تنها با محبت از میان برداشته می‌شود

1. करुणा.

۲. بُدْهیستوه یعنی کسی که از تناسخ خود را نجات داده و به نیروانه رسیده، و باز برمی‌گردد تا دست دیگران را هم بگیرد، تا دیگران را نیز به روشنایی یا همان نیروانه برساند؛ یعنی کسی که هدفش بیداری است؛ یعنی کسی که به دنبال بودا شدن است؛ یعنی فردی در مسیر تبدیل شدن به بودا.

۳. براساس آموزه‌های بودا، راه‌های هشت‌گانه شریف که آریه‌آشتانگیکه مارگه (Ārya Aṣṭāṅgika Mārga) نامیده می‌شود، شامل بصیرت راستین، نیت راستین، گفتار راستین، کردار راستین، زندگی راستین، کوشش راستین، توجه راستین و تمرکز راستین است.

(Dhammapada, 1993, p.5).^۱ بگذار شخص بر خشم خود با محبت چیره شود، و بر بدی‌ها با خوبی مسلط شود، بگذار او در مقابل آدم طماع، گشاده‌دست بوده و در مقابل دروغ‌گو، راست‌گو باشد (Dhammapada, 1993, p.223).^۲ لذا برجسته‌ترین نشان کرونا از بین بردن رنج و درد دیگران است. بنیاد واقعی کرونا، حقیقت رنج است؛ چون نه ریشه واقعی آن را می‌شناسند و نه راه‌هایی از آن را؛ لذا برترین تجلی کرونا نشان دادن راه‌های هشت‌گانه به دیگران است (پاشایی، ۱۳۵۷: ص ۳۸).

تیک نات هان (Thich Nhat Hanh)، یکی از راهبان برجسته بودایی مه‌ایانه، در مورد همدردی می‌نویسد: «ما جامعه خود را تربیت می‌کنیم تا تمرین فراگیر بودن داشته باشیم. ما می‌دانیم که همه رنج می‌برند؛ حتی کسانی که سعی کرده‌اند به ما آسیب برسانند. به عنوان ادامه‌دهنده مسیر عیسی مسیح، حضرت محمد ﷺ، حضرت موسی، مهاتما بوده و تمامی نیاکان معنوی، شما موظفید به همه کمک کنید» (هان، ۱۳۸۶: ص ۲۴۲).

همچنین دالایی لاما تأکید می‌کند که آغاز ابراز شفقت به دیگران، باید با حفظ همان میزان صمیمیتی باشد که به نزدیکان خود داریم؛ این همان زمینه‌ای است که می‌توان در آن بذری کاشت که به شفقتی بزرگ و گسترده بدل خواهد شد (Dalai Lama, 2004, p.22).

۳. مؤلفه‌های اخلاقی محوری در اسلام

۳.۱. نهی از خشونت و افراط

پرهیز از خشونت و ظلم به دیگران، در دین مبین اسلام، نه تنها یک وظیفه شرعی، بلکه نشانه‌ای از کمال انسانی و دین‌داری راستین است و همچنین این مؤلفه در متون اسلامی مفهومی گسترده دارد که شامل پرهیز از ظلم، تندخویی، اهانت، ظلم و ستم

۱. न हि वेरेन वेरानि, सम्मन्तीध कुदाचनं। अवेरेन च सम्मन्ति, एस धम्मो सनन्तनो ॥ (धम्मपद, ५)।

۲. अक्कोधेन जिने कोधं, असाधुं साधुना जिने। जिने कदरियं दानेन, सच्चेनालिकवादिनं ॥ (धम्मपद, २२३)।

به افراد بی‌گناه و تجاوز به حقّ دیگران می‌شود. آیات قرآن و روایات اسلامی، به تفصیل به این مولفه پرداخته‌اند و البته خشونت در حد دفاع، آن هم با شرایط خاصی در اسلام اجازه داده شده است. خشونت، حریم‌ها و حرمت‌ها را نسبت به یکدیگر می‌شکند؛ خشونت همیشه فضای افراط و تفریط را به وجود می‌آورد و فضای تساهل و تسامح و مدارا را از بین می‌برد.

خشونت وقتی آغاز می‌شود که انسان خود را هم در مقام مدعی، هم در مقام قاضی و هم در مقام مجری حکم قرار می‌دهد؛ و درعین حال، امکان دفاع را از دیگری سلب می‌کند. هر خشونتی ناگزیر به توجیه خود است؛ اما این توجیه، عموماً با تحریف واقعیت همراه می‌شود (سلیمان‌زاده، ۱۳۷۸: ص ۸۳). خداوند به نبی کلیم الله دستور می‌دهد که حتی با موجودی سرکش مثل فرعون هم لین سخن بگویند و از خشونت دوری کنند که می‌فرماید: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا﴾ این است که در گفت‌وگوی با فرعون از تندوی و خشونت خودداری کنند، که همین خویشتن داری از تندوی، واجب‌ترین آداب دعوت است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۲۱۳).

اسلام نه تنها خشونت را حرام کرده، بلکه از سکوت بر خشونت و همراهی کردن با افراد ظالم و خشن نیز منع کرده و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود: ۱۱۳)؛ و به کسانی که ظلم کرده‌اند، تمایل و اطمینان نداشته باشید و تکیه نکنید که آتش دوزخ به شما خواهد رسید. طبق این سخن پروردگار، همراهی با ظالمین و افراد خشونت‌گر انسان را نیز جهنمی می‌کند و بی‌تفاوتی در برابر ظلم، خود نوعی مشارکت در ظلم است. فیض کاشانی احسان به ظالم را نه تنها بی‌عدالتی به مظلوم، بلکه خیانت به حق و حقیقت می‌داند. باین حال، او تفاوتی میان مواجهه با ظلم دیگران و ظلم به خود انسان قائل می‌شود؛ اگر خود فرد مظلوم واقع شده باشد، بهترین واکنش را عفو و گذشت می‌داند که نشان‌دهنده فضیلت روحی و بلوغ اخلاقی است.

افزون بر این، فیض به اتفاق نظر اهل سلوک و نیکان درباره لزوم اظهار دشمنی با گناهکاران تأکید دارد؛ به‌ویژه با ظالمان و بدعت‌گذاران که با ظلمشان نه تنها حق

فردی، بلکه شاکله دین را تهدید می‌کنند. پیامبر ﷺ فرمود: «برادرت را چه ظالم باشد و چه مظلوم، یاری کن. پرسیدند: چگونه ظالم را یاری کنیم؟ فرمود: جلوگیری او از ظلم، یاری کردن به اوست» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۲۱۲).

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «هیچ قطره خونی در روز قیامت ریخته نمی‌شود، اما حتی اگر ریخته شود در گردن آنان خواهد بود. این بدان سبب است که هر ستمگری پس از ایشان آمده به ستم ایشان اقتدا کرده و در بیابان آنان سرگردان و گمراه شده است. و هر چیزی که محدودیت الهی را مهو کرده و حقوق الهی را ضایع گشته و یا نقصی در دین زدید آورده و یا ستمی بر مؤمنان روا داشته، عهده همه اینها بر آنان است و پیگرد آن از ایشان است و در پیشگاه داور عادل که ستم نمی‌کند و یحج پنهان و اشکاری از او پوشیده نیست، از آنان بازخواست می‌شود و به سبب آن مورد مطالبه قرار می‌گیرند ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ (غافر: ۵۲)؛ روزی که عذرخواهی ستمکاران سودی به حالشان ندارد و لعنت بر آنان باد و سرانجام بدی دارند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۸۹۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ الظُّلْمَ فَإِنَّهُ يَخْرَبُ قُلُوبَكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۲، ص ۳۵۰)؛ از ستم کردن پرهیزید، که دل‌های شما را ویران می‌کند.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ ظَلَمَ مَظْلَمَةً أَخَذَ بِهَا فِي نَفْسِهِ أَوْ فِي مَالِهِ أَوْ فِي وُلْدِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۳۲)؛ کسی که ظلمی را روا بدارد، آن ظلم در جان یا مال یا فرزندش بازپس گرفته می‌شود. این حدیث نشان می‌دهد که ظلم و خشونت نه تنها برای طرف مقابل، بلکه برای خود فرد هم باعث پیامدهایی در زندگی شخصی می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند به نرمی، پاداشی می‌دهد که به خشونت نمی‌دهد و هرگاه خدا بنده‌ای را دوست بدارد، به او مدارا می‌بخشد، و هر خانواده‌ای که از مدارا کردن محروم شود، از دوستی با خدا نیز محروم شده است» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۴۴۴).

خداوند در زمینه پرهیز از خشونت می‌فرماید: ﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي

إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ﴿۳۲﴾ (مانده: ۳۲)؛ هرکس انسانی را که نه مرتکب قتل شده و نه فسادی در زمین ایجاد کرده، به قتل برساند، مانند این است که همه مردم را کشته و کسی که یکی را احیا کند، مثل این است که همه را احیا کرده باشد.

علامه طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید: «این آیه به بیان این نکته می‌پردازد که قتل یک نفر به معنای آسیب زدن به تمام انسان‌هاست؛ زیرا همه انسان‌ها در یک حقیقت مشترک هستند و هرگونه سوء قصد به یکی از آن‌ها، به‌نوعی به انسانیت آسیب می‌زند. این مفهوم با تشبیه به آب در ظرف‌های مختلف توضیح داده می‌شود؛ اگر کسی آب یک ظرف را بنوشد، گویی آب همه ظرف‌ها را نوشیده است. بنابراین، جمله «مَنْ قَتَلَ...» کنایه از این است که قتل یک نفر، قتل همه انسان‌هاست؛ زیرا انسانیت در همه افراد مشترک است. این استدلال نشان می‌دهد که هر فردی در برابر دیگران ارزشمند است و آسیب به یکی، آسیب به کل جامعه انسانی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵، ص ۵۱۸).

قتال در اسلام باید با نیت قرب به خدا باشد، نه اینکه برای تسلط بر اموال و ناموس مردم انجام شود. همچنین تأکید می‌شود که قتال تنها در شرایطی مجاز است که مسلمانان تحت حمله قرار گیرند و تجاوز به هیچ‌عنوان مجاز نیست. آیه «و لا تعدوا» نهی از هرگونه تجاوز و خروج از حد را بیان می‌کند و شامل مواردی مانند قتال قبل از پیشنهاد مصالحه و حمله به زنان و کودکان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۸۹) به همین دلیل، رمز موفقیت پیامبر اکرم را خداوند اخلاق حسنه او معرفی می‌کند که در گفتار و رفتار، جز حسنه چیزی دیگری نبود. در آیه شریفه: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران: ۱۵۹) «ما» در «فَبِمَا رَحْمَةٍ» اشاره به رحمتی خاص است که خداوند به پیغمبرش عنایت فرموده؛ یعنی این لینت تو از خود تو نیست؛ بلکه نوعی از رحمت الهی است که به تو عنایت شده (طیب، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۴۰۸). «لِنْتَ» (فعل ماضی مخاطب) از لین، به

معنی نرمی و لین در مقابل خشونت است (طالقانی، ۱۳۶۲ ش: ج ۶، ص ۲۵۰). پیامبر اسلام ﷺ در برخورد خشونت‌آمیز دیگران، جواب آن‌ها را با قهر و خشونت نمی‌داد؛ بلکه با مدارا و شفقت با آنان رفتار می‌کرد. زمانی که پیامبر ﷺ در مکه برای دعوت مردم به خداپرستی مبعوث شد، با عکس‌العمل شدید قریش مواجه شد. قریش از هیچ‌گونه آزار و شکنجه، اهانت و افترا دریغ نورزیدند و او را فردی کذاب، ساحر، مجنون و... معرفی می‌کردند؛ ولی عکس‌العمل پیامبر ﷺ این دعا بود: «اللهم اغفر لقومی بانهم لایعلمون» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۵، ص ۱۶۷).

احکام عبادی و فردی اسلام، نیز براساس تسامح تشریح شده است؛ یعنی هیچ حکم الهی‌ای نیست که آموزنده خشونت باشد؛ بلکه تمام احکام الهی با مدارا و بر مبنای توان انسان‌هاست. امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر فرمود: «مهربانی به رعیت و دوست داشتن آن‌ها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز، همانند حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا آنان دو گروه‌اند: یا هم‌کیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش. از آن‌ها خطاها سر خواهد زد و علت‌هایی عارضشان خواهد شد و اگر به عمد یا خطا، لغزش‌هایی کردند، از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده؛ همان‌گونه که دوست داری خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد؛ زیرا تو برتر از آن‌ها هستی و آنکه تو را بر آن سرزمین ولایت داده، برتر از دوست و خداوند برتر از کسی است که تو را ولایت داده است. ساختن کارشان را از تو خواسته و تو را به آن‌ها آزموده است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

اسلام برای از بین بردن خشونت بر ترویج سه اصل اخلاقی تأکید می‌کند؛ اصل عدالت یعنی رعایت حقوق دیگران و پرهیز از هرگونه ظلم، چون با ترویج عدالت خشونت خود بخود از جامعه از بین می‌رود، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ، وَ احْذَرِ الْعُسْفَ وَ الْحَيْفَ؛ فَإِنَّ الْعُسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶)؛ عدالت را بگستران، و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی می‌کشاند، و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد. اصل

رحمت یعنی نرم‌خویی و رحم به مردم به معنای این است که در دل برای آن‌ها خیر خواه باشید و در عمل هم با آن‌ها ترحم‌آمیز و مهربانانه برخورد کنید. امام موسی کاظم علیه السلام به هشام می‌فرماید: «یا هِشامُ عَلَیْكَ بِالرَّفْقِ فَإِنَّ الرَّفْقَ یَمُنُّ وَ الخُرْقَ شُومٌ إِنَّ الرَّفْقَ وَ البِرَّ وَ حُسْنَ الخُلُقِ یَعْمُرُ الدِّیَارَ وَ یزیدُ فی الرِّزْقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱۵۱)؛ ای هشام بر توباد بر نرمش و ملائمت نمودن؛ چراکه نرمش نیکو و تندخویی شوم و مذموم است، به‌درستی که نرمش و نیکوکاری و خوش‌اخلاقی خانه را آباد کرده و بر روزی بیفزاید. اصل عفو و بخشش، یعنی گذشت در برابر بدی و ترحم به دیگران؛ نه خشونت متقابل، که پیامبر اکرم می‌فرماید: «مَنْ لَا یَرْحَمِ النَّاسَ لَا یَرْحَمُهُ اللَّهُ» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۵۵).

۲.۳. رحمت

در تعالیم اسلامی، به موضوع رحمت توجه ویژه‌ای شده است. شریعت اسلام نه‌تنها رفتار محبت‌آمیز و مهربانانه با فقیران، بیماران، ضعیفان، یتیمان و به‌طور کلی نیازمندان را توصیه می‌کند، بلکه اخلاق اسلامی که از رفتار پیامبر و ائمه طاهریین علیهم السلام، به‌عنوان الگو الهام گرفته شده است، همواره بر اهمیت صفاتی مانند رحمت، احسان، عطوفت و بخشش تأکید دارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه: ۱۲۸)؛ پیامبری از جنس خود شما که مشکلات شما برای او سخت و ناگوار است و برای شما حرص و تلاش دارد و بیش از اندازه دلسوزی می‌کند، به سمت شما آمده است. همدردی با مردم در این آیه، یکی از اوصاف پیامبر شمرده شده؛ یعنی هر سختی و گرفتاری که پیدا می‌کنید، او آن را بر خود می‌گیرد و غم مردم را غم خود می‌داند و از رنج‌های مردم آزرده‌خاطر می‌شود؛ زیرا مردم را از خود و خود را از مردم می‌داند.

در آیه دیگری به ایشان خطاب می‌کند و می‌فرماید: ﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ یُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾ (کهف: ۶)؛ شاید تو خودت را به مشقت

می‌اندازی و از نگرانی اینکه خودشان را تباه کنند و به آنچه که از جانب تو به دست آن‌ها رسیده است، ایمان نمی‌آورند، خودت را فدا می‌کنی. «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ ﴿﴾ نهایت دلسوزی پیامبر را می‌رساند. رسول گرامی اسلام، مردمان آن زمان را با نرمی و شفقت و عاطفه بی‌نظیر و بی‌مانندش، به دور خویش جمع کرده و آیین مقدس اسلام را به آنان تلقین و تعلیم می‌نمود و در همه کارهای مسلمانان، خود آن حضرت مستقیماً شرکت جسته و غمخوار امت و پیروان خویش می‌گردید. تمام تلاش را می‌کرد تا آنان را هدایت کند و حتی در این راه، جانش در معرض نابودی قرار می‌گرفت (میرجلیلی، ۱۳۹۸: ص ۸۳).

۴. مؤلفه‌های اخلاقی مشترک آیین بودا و اسلام

۴.۱. شفقت بودایی و رحمت اسلامی

شفقت در آیین بودا و رحمت در اسلام، نه فقط فضیلت فردی، بلکه اساسی برای تنظیم روابط اجتماعی و کاهش تعارضات انسانی است. در آیین بودا، کُرُونا به‌عنوان یکی از چهار حالت متعالی ذهن، به معنای حساسیت فعال در برابر رنج دیگران و تلاش آگاهانه برای کاهش آن تعریف می‌شود. این مفهوم، در سنت مه‌ایانه، به سطحی فراتر از همدردی احساسی ارتقا یافته و به مسئولیت اخلاقی در برابر تمامی موجودات زنده گسترش یافته است. در مقابل، رحمت در اندیشه اسلامی ریشه در اسماء و صفات الهی دارد و به‌عنوان صفتی الهی که باید در رفتار انسان تجلی یابد، مطرح می‌شود. قرآن کریم، پیامبر اسلام ﷺ را «رحمة للعالمین» معرفی می‌کند و رحمت را ملاک برتری اخلاقی و عامل جذب اجتماعی می‌داند. بنابراین، رحمت اسلامی نه تنها واکنشی به رنج، بلکه سازوکاری برای پیشگیری از ظلم، خشونت و گسست اجتماعی است.

اشتراک این دو مفهوم بر همدلی، پرهیز از قساوت و مسئولیت‌پذیری اخلاقی در برابر دیگران تاکید دارد، و زمینه‌ای برای شکل‌گیری همزیستی مسالمت‌آمیز در

جامعه‌ای چون لداخ را فراهم کرده است؛ جایی که شفقت و رحمت به‌عنوان ارزش‌های مهم، به کاهش تنش‌های دینی کمک کرده‌اند.

۲.۴. عدم خشونت بودایی و پرهیز از ظلم اسلامی

عدم خشونت (اهیمسا) در آیین بودا و پرهیز از ظلم در اسلام، دو اصل اخلاقی‌اند که هرچند از مبانی هستی‌شناختی متفاوتی برخاسته‌اند، اما در کارکرد اجتماعی نتایجی مشابه به همراه دارند. از منظر مهاتما بوده، خشونت نتیجه جهل، خشم و دل‌بستگی دانسته می‌شود و پرهیز از آن، شرط اساسی پالایش ذهن و برقراری نظم اجتماعی است. در اسلام نیز خشونت و ظلم، از بزرگ‌ترین موانع تحقق عدالت اجتماعی به شمار می‌آیند و قرآن کریم به طور مکرر از هرگونه تعدی، حتی در شرایط نزاع، نهی می‌کند. تأکید فیض کاشانی بر حرمت ظلم، چه در سطح فردی و چه در سطح ساختارهای اجتماعی، نشان می‌دهد که پرهیز از خشونت در اندیشه اسلامی صرفاً توصیه‌ای اخلاقی نیست؛ بلکه اصلی بنیادین در حفظ انسجام جامعه است. در ساختار اجتماعی لداخ، این دو اصل اخلاقی به طور مکمل عمل کرده‌اند؛ به طوری که پرهیز از خشونت، به یک هنجار فرهنگی تبدیل شده و اختلافات دینی به جای تعارض، به سطح گفت‌وگو و مدارا منتقل شده است.

۳.۴. کرامت انسان بودایی و اسلامی

کرامت انسان در آیین بودا و اسلام تعاریف متفاوتی دارد؛ اما در هر دو آیین انسان واجد شأن اخلاقی و ارزش ذاتی تلقی می‌شود. از منظر مهاتما بوده، کرامت انسان در توانایی او برای رهایی از رنج، دستیابی به بیداری و پیمودن مسیر روشن‌بینی معنا می‌یابد. انسان موجودی شایسته احترام و پرهیز از تحقیر و آزار است. کرامت انسان به‌صراحت در قرآن کریم مطرح شده و انسان به‌عنوان خلیفه الهی در زمین معرفی شده است. این کرامت ذاتی، مبنای حقوق انسانی، احترام متقابل و نفی هرگونه تبعیض نژادی، دینی و قومی است. این دو تلقی از کرامت انسانی در جامعه لداخ، به

احترام متقابل میان بوداییان و مسلمانان انجامیده و مانع شکل‌گیری نگاه‌های تحقیرآمیز شده است.

۵. تأثیر مؤلفه‌های اخلاقی مشترک بر همزیستی در لداخ

۵.۱. مناسبات اجتماعی و خانوادگی

یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های همزیستی اخلاق محور در منطقه لداخ، مناسبات اجتماعی و خانوادگی میان مسلمانان و بوداییان است. این روابط نه تنها در سطح تعاملات روزمره، بلکه در ساختارهای عمیق‌تری چون پیوندهای خویشاوندی، مشارکت در آیین‌های جمعی و حضور متقابل در مناسبت‌های شادی و سوگواری نمود می‌یابد. در برخی از خانواده‌های لداخی، اعضای هر یک از فامیل، دارای ادیانی متفاوت همانند اسلام، بودیسم و گاه مسیحیت هستند، و این تنوع دینی مانعی برای حفظ انسجام خانوادگی تلقی نمی‌شود. مشاهدات میدانی انجام‌شده در سال ۲۰۱۶ در شهر له مؤید این واقعیت است.

در یکی از گردهمایی‌های خانوادگی که بنده حضور داشتم، حضور هم‌زمان زنان محجبه مسلمان در کنار بستگان بودایی برایم نشان‌دهنده نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز بود که در آن تفاوت دینی، نه عامل جدایی، بلکه بخشی پذیرفته‌شده از هویت اجتماعی خانواده محسوب می‌شد. افزون بر این، در تعاملات روزمره میان نخبگان دینی و فرهنگی منطقه نیز نشانه‌های روشنی از احترام متقابل مشاهده می‌شد؛ به‌گونه‌ای که در دیدارهای گفت‌وگو محور میان عالمان مسلمان و شخصیت‌های برجسته بودایی، رعایت آداب مهمان‌نوازی و تکریم جایگاه دینی طرف مقابل، حتی از طریق مشارکت خانواده‌های مسلمان در پذیرایی، امری رایج بوده و هنوز نیز هست. چنین الگوهایی بیانگر آن است که اخلاق خویشاوندی، احترام متقابل و ارزش‌های انسانی مشترک، بر مرزبندی‌های اعتقادی تقدم یافته‌اند و زمینه‌ساز شکل‌گیری سرمایه اجتماعی میان دینی در لداخ شده‌اند.

۵.۲. آیین‌ها و تعاملات روزمره

سنت‌های دینی و فرهنگی در لداخ، علی‌رغم تفاوت‌های اعتقادی، غالباً در فضایی مبتنی بر احترام متقابل و پرهیز از تعرض به مقدسات یکدیگر برگزار می‌شوند. این رویکرد را می‌توان مصداقی از «اخلاق مشترک» دانست که به واسطه آن، تنش‌های بالقوه مذهبی به فرصت‌هایی برای هم‌گرایی اجتماعی تبدیل شده‌اند. تبریک گفتن متقابل اعیاد دینی، از جمله اعیاد اسلامی و مناسبت‌های بودایی، به‌عنوان یک هنجار اجتماعی پذیرفته شده و نقش مهمی در تقویت روابط میان‌دینی ایفا می‌کند.

علاوه بر این، مشارکت مشترک مسلمانان و بوداییان در آیین‌ها و جشن‌های فرهنگی محلی، نظیر جشن سال نوی تبتی «لوسار» (Losar) و دیگر مراسم سنتی، نشان‌دهنده آن است که فرهنگ بومی لداخ بستری فراگیر برای تعامل مسالمت‌آمیز فراهم آورده است. همکاری متقابل در برگزاری این مناسبت‌ها نه تنها به شکوه و استمرار آن‌ها کمک می‌کند، بلکه موجب بازتولید اعتماد اجتماعی و تقویت هویت جمعی فرادینی در میان ساکنان منطقه می‌شود.

۵.۳. همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی

در حوزه تعاملات اقتصادی، تمایزات دینی در لداخ نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری روابط کاری ندارند. مبنای همکاری‌های اقتصادی بیش از آنکه بر هویت مذهبی استوار باشد، بر شایستگی، اعتماد متقابل و تفاهم اجتماعی مبتنی است. در تجارت محلی، فعالیت‌های شرکتی و کسب‌وکارها، مسلمانان و بوداییان در قالب شریک‌های اقتصادی مشترک فعالیت می‌کنند و منطق تعامل اقتصادی، مستقل از تعلقات دینی عمل می‌کند.

بررسی تاریخی این الگو نشان می‌دهد که چنین همکاری‌هایی سابقه‌ای طولانی دارند. در گذشته، به‌ویژه در مناطق مرزی کارگل، خانواده‌های مسلمان برای نگهداری و چرای اسب‌ها و الاغ‌های خود، بوداییان فقیر را استخدام می‌کردند؛ حیواناتی که در تأمین آذوقه‌رسانی به نیروهای مستقر در مناطق کوهستانی مورد استفاده قرار

می‌گرفتند. این همکاری‌ها مبتنی بر روابط کاری منصفانه و پرداخت دستمزد مشخص بوده است.

در دوره معاصر نیز، نمونه‌های مشابهی قابل مشاهده است؛ به‌گونه‌ای که در شهر لیه، بسیاری از خانواده‌های بودایی، کارگران مسلمان را برای انجام امور خانگی استخدام می‌کنند و حتی دستمزد بالاتری برای آنان در نظر می‌گیرند. این ترجیح، ریشه در برداشت‌های اخلاقی مثبت از سبک زندگی مسلمانان، از جمله پرهیز از مصرف الکل دارد و نشان می‌دهد که اخلاق فردی و اعتماد اجتماعی، عامل مهمی در تعاملات اقتصادی میان‌دینی در لداخ به شمار می‌آید.

۴.۵. نقش رهبران دینی و نهادهای مذهبی

رهبران دینی و نهادهای مذهبی اسلامی و بودایی در لداخ، نقشی کلیدی در تثبیت و تداوم همزیستی مسالمت‌آمیز ایفا کرده‌اند. تأکید مستمر این رهبران بر مشترکات اخلاقی، کرامت انسانی و ضرورت پرهیز از گفتمان‌های تقابلی، موجب شده است که نهادهای دینی به جای تشدید مرزهای هویتی، به مدیریت تفاوت‌ها در چارچوب اخلاقی کمک کنند. استقبال متقابل مسلمانان و بوداییان از شخصیت‌های برجسته دینی یکدیگر، نمونه‌ای عینی از این رویکرد است. برای مثال، در سال ۲۰۲۲ سفر نماینده ولی فقیه به منطقه لداخ، با استقبال گسترده جامعه بودایی شهر له همراه شد و از ایشان در یکی از مقدس‌ترین معابد بودایی به طور رسمی میزبانی شد. این اقدام، فراتر از تشریفات دیپلماتیک، بیانگر پذیرش متقابل مرجعیت اخلاقی رهبران دینی است.^۱

در سوی دیگر، سفرهای متعدد دالایی لاما به شهرهای له و کارگل نیز نشان‌دهنده تعامل مثبت علمای مسلمان منطقه با رهبران بودایی است. حضور دالایی لاما در حوزه علمیه جمعیت‌العلماء اثناعشریه به دعوت رسمی رئیس حوزه در سال ۲۰۱۰ و دیدار او به صورت خصوصی با علمای شیعی و و دیدار او با مردم منطقه اعم از

1 <https://www.iribnews.ir/fa/amp/news/3870172>

مسلمانان و بوداییان، و ارجاع‌های مکرر به الگوی هم‌زیستی لداخ در سخنرانی‌های ایشان،^۱ گواه روشنی بر نقش فعال رهبران دینی در نهادینه‌سازی هم‌زیستی اخلاق‌محور در این منطقه است.^۲

۶. چالش سیاسی، ملی‌گرایانه و مدرنیته در برابر هم‌زیستی اخلاق‌محور

با وجود ریشه‌های عمیق هم‌زیستی اخلاقی در لداخ، تحولات سیاسی معاصر و گسترش گفتمان‌های ملی‌گرایانه، چالش‌هایی جدی برای این الگوی سنتی ایجاد کرده‌اند. در برخی مقاطع، اخلاق دینی و فرهنگی در سایه رقابت‌های سیاسی به حاشیه رانده شده و هویت‌های مذهبی به ابزاری برای بسیج سیاسی و کسب قدرت تبدیل شده‌اند. این روند، به‌ویژه در جریان انتخابات نمایندگان مجلس هند، زمینه بروز تنش‌هایی گاه کوچک و گاه گسترده میان مسلمانان و بوداییان فراهم کرده است. رقابت بر سر نمایندگی سیاسی، به‌گونه‌ای که هر گروه تمایل دارد نماینده‌ای هم‌کیش در مجلس داشته باشد تا منافع و هویت دینی خود را بهتر نمایندگی کند، در برخی موارد به سوءتفاهم‌ها و درگیری‌های اجتماعی منجر شده است. با این حال، واکنش نهادهای محلی نشان‌دهنده تلاش آگاهانه برای مهار این چالش‌هاست. پس از سال ۲۰۱۹، نهادهایی چون «له اپکس بادی»^۳ و «کارگل دموکراتیک الاینس»^۴ وارد گفت‌وگو با دولت مرکزی هند شده‌اند و پیشنهاد ارسال دو نماینده مستقل یکی از له و دیگری از کارگل را مطرح کرده‌اند. این ابتکار را می‌توان تلاشی نهادی برای کاهش تنش‌های مذهبی و بازگرداندن منطق اخلاقی و هم‌زیستی به عرصه سیاست منطقه‌ای دانست.^۵

۱ <http://3danet.ir> - لاما - جهان‌نگلو - دالایی - لاما

۲ <https://www.dalailama.com/news/2023/visiting-the-ladakhi-muslim-community>

۳ Leh Apex Body

۴ Kargil Democratic Alliance

۵ <http://democracy.community/stories/two-districts-find-unity>

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استمرار همزیستی مسالمت‌آمیز میان بوداییان و مسلمانان در لداخ، بیش از آنکه محصول توافق‌های سیاسی یا صرف همجواری جغرافیایی باشد، ریشه در اشتراکات اخلاقی عمیق میان دو سنت دینی دارد. مؤلفه‌هایی چون شفقت، رحمت، پرهیز از خشونت، احترام به کرامت انسانی و اخلاق‌گفتاری، به‌عنوان عناصر کلیدی اخلاق، توانسته‌اند تفاوت‌های اعتقادی را در سطح اجتماعی مدیریت کرده و از تبدیل آن‌ها به تعارض جلوگیری کنند. پاسخ به پرسش اصلی پژوهش روشن می‌سازد که این مؤلفه‌های اخلاقی، نه تنها در سطح فردی، بلکه در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لداخ نقش فعالی ایفا کرده‌اند و به شکل‌گیری الگویی بومی از همزیستی انجامیده‌اند. این الگو نشان می‌دهد که اخلاق دینی، در صورت تمرکز بر مشترکات انسانی و پرهیز از قرائت‌های افراطی، می‌تواند ظرفیت بالایی برای مدیریت تنوع دینی داشته باشد. از این رو، تجربه لداخ می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای قابل تأمل برای دیگر جوامع چندفرهنگی مورد توجه قرار گیرد؛ مشروط بر آنکه اخلاق به مثابه زیربنای تعاملات اجتماعی، در مرکز سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و دینی قرار گیرد.

پیشنهادات:

- نقش علمای شیعه در هم‌زیستی مسالمت‌آمیز شیعیان و غیرشیعیان در منطقه لداخ؛
- نقش دالایی لاما در هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بوداییان و غیربوداییان در منطقه لداخ؛
- بررسی آیین بون و تأثیر آن در جامعه و فرهنگ دینی مسلمانان و بوداییان لداخ؛
- همچنین پیشنهاد می‌شود که رهبران دینی باید با تکیه بر اشتراکات اخلاقی، نشست‌ها و گفت‌وگوهای میان‌دینی را به طور مداوم برگزار کنند، تا مباحث اخلاقی به مرحله عملی برسد و جامعه آرامانی به وجود آید.

فهرست منابع

قران کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر.
۲. بستانی فواد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی.
۳. پاشایی، ع (۱۳۵۸). *سخن بودا طرحی از تعالیم بودا بنابر کانون پالی از نیانه تی لوکا*، تهران، انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیاتهران.
۴. پاشایی، ع. (۱۳۶۱). *ذن چیست؟*، تهران: انتشارات نیلوفر.
۵. پاشایی، عسکری (۱۳۶۸). *گزارش کانون پالی*، تهران، انتشارات مروارید.
۶. پاشایی، عسگری (۱۳۵۷). *راه آیین (دمه پده)*، تهران، انتشارات انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.
۷. ثعالی عبدالملک بن محمد، (۱۴۲۸ ه.ق). *ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب*، لبنان صیدا، ناشر المكتبة العصرية.
۸. جعفری یعقوب (۱۳۷۶). *تفسیر کوثر*، قم، انتشارات هجرت.
۹. جمشیدی کوهساری، محسن (۱۳۹۶). «مؤلفه‌هایی اخلاقی استاد زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان»، دوفصلنامه تخصصی *مطالعات آموزش زبان فارسی*.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، قم، طبع مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۱. دهخدا علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. دهخدا علی اکبر (۱۳۹۰). *لغت نامه، فرهنگ متوسط دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیة.
۱۴. سجادی، جعفر (۱۳۷۳). *فرهنگ معارف اسلامی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات کومش.
۱۵. سکندر، کاجو سکندر خان (۱۹۸۷). *قدیم لداخ*، لداخ، کاجو پبلیشرز «لیه».
۱۶. شعیری، محمد بن محمد (بی تا). *جامع الأخبار*، نجف، المطبعة الحیدریة.
۱۷. شیخ، عبد الغنی (۲۰۰۵). *لداخ: تهذیب و ثقافت*، جمّو: کریسنت هاوس پبلی کیشنز (اردو).
۱۸. طالقانی سید محمود (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۹. طباطبایی سید محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. طبیب سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
۲۱. فضل الله محمد حسین (۱۳۵۹). *شیوه‌های دعوت و تبلیغ از دیگاه قرآن*، تهران، انتشارات یاسر.

۲۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۲). *راه روشن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۲۳ ه.ق). *الحقائق*، قم، چاپ دوم، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.
۲۴. کازنیز، ال. اس (۱۳۸۴). *آیین بودا در جهان امروز*، ترجمه: علیرضا شجاعی، قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۶. لداخی، بابو عبد القیوم (۲۰۱۰). *داستان لداخ*، لداخ، نشاط لائبریری لبه.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۸. محمدی گیلانی، محمد (۱۳۷۴). *درسهای اخلاق اسلامی*، قم، نشر سایه، چاپ مؤسسه الهادی.
۲۹. مسترحمی، سید عیسی و حمدیوسف تقدسی (۱۳۹۶). «راهکارهای قرآنی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان»، *مطالعات قرآن و علوم دو فصلنامه علمی-تخصصی شماره ۱*، بهار و تابستان.
۳۰. مورگان، پگی (۱۳۸۹). *اخلاق در شش دین جهان*، ترجمه: محمد حسین وقار، تهران، انتشارات اطلاعات.
۳۱. میرجلیلی، علی محمد (۱۳۹۸). «شفقت پیامبران و آثار تربیتی آن از منظر قرآن و روایات»، کرمان، *مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی*، سال هشتم، شماره ۱، پیاپی ۱۱، بهار و تابستان.
۳۲. نفیسی، علی اکبر (بی تا). *فرهنگ نفیسی*، تهران، کتابفروشی خیام.
۳۳. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۳۴. هان تیک نات (۱۳۸۶). *آرامش حقیقی*، ترجمه: مینا اعظامی، تهران، انتشارات نسل نواندیش.
۳۵. هینلز، جان آر (۱۳۹۳). *فرهنگ ادیان جهان*، ترجمه: ع. پاشایی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
36. Dalai lama, Tenzin Gyatso (2003). *The Compassionate life*, Bosto: Wisdom publication.
37. Dalai lama, Tenzin Gyatso (2004). *Ethics for the new Millennium*, p.ublication by The Dalai Lama foundation Developed and offered by the los Attos study group.
38. Dorjen, Ogyen Trinley (2021). *Tibetan Buddhist Vegetarianism: Ancient and Modern*, Dakini publications.
39. *Majjhima Nikaya* (1995). *The Middle Length Discourses of the Buddha*,

translated by :Bhikkhu Nanamoli and Bhikkhu Bodhi, Sri Lanka:
Buddhist publication Society.

40. *Samyutta Nikāya* (2000). *The Connected Discourses of the Buddha*, translated by: Bhikhu Bodhi, Bosto: Wisdom publication.
41. Spalzin, Sonam (2015). *Archaeological remains of ladakh*, Leh: Bangkolok Publishers and Distributors Thiksay.
42. *Sutta anguttara nikaya* (2012). *The Numerical Discourses of the Buddha*, translated by: Bhikhu Bodhi, Bosto: Wisdom publication.
43. *The Dhammapada* (1993). Translated by Daw Mya Tin, Yangon: Department for the promotion and propagation of the Sasana.
44. Wiley, Andrea S. (1997). *A Role for Biology in the Cultural Ecology of Ladakh*, Human Ecology, vol 25, june.